



11 سپتمبر 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

استرداد استقلال کامل افغانستان یک واقعیت مسلم تاریخی است که نمیتوان از آن انکار کرد!

(قسمت چهارم)

نگاهی به ماهیت استعماری انگلیس طی دو تهاجم بر افغانستان:

پس از بررسی مختصر اوضاع افغانستان در طول قرن 19 و دوبار تهاجم نظامی انگلیس ها در افغانستان که در قسمت های قبلی مختصراً بیان گردید، به توضیح بعضی نکاتی می پردازم که بطور کل دال بر فقدان آزادی کشورخاستاً از آغاز تهاجم اول انگلیس در سال 1839 با نصب شاه شجاع در مقام سلطنت الی ختم آن یعنی ترک قوای مهاجم از کشور (سپتمبر 1880) میباشد. با آنکه افغانستان بزعم مفهوم کلاسیک استعمار یعنی زیر سلطه قرار دادن یک کشور از طریق تهاجم نظامی و انتقال یک تعداد از مردم خود در آن سرزمین تا بدانوسيله برتداوم سلطه خود بیفزایند (چنانچه این روش را در بعضی سرزمین ها از جمله امریکا و بعضی ساحات افریقا انجام دادند) بوقوع نیپوسته و انگلیسها نخواستند افغانستان را از لحاظ رسمیات (دوژور) "مستملکه و یا ملحقه" خود بسازند، اما تهاجم آنها در افغانستان از لحاظ عملی (دوفاکتو) یک عمل استعماری بوده و بدون شک موجب محدودیت ها در مورد حق حاکمیت ملی و استقلال افغانستان در آن وقت و بعد از آن به شکل دیگر گردید.

در این قسمت به استناد آنچه در قسمت های قبلی مختصراً بیان شد، توجه را به اهم مشخصه های استعماری انگلیس در افغانستان طی دو بار تهاجم و پخش سلطه انگلیس بر خاک افغانستان و طرز اجراءات شان به حیث یک قوه ای فاتح و استعماری که به نحوی منجر به سلب حق حاکمیت ملی و استقلال کشور گردید، بطور مستند و ارائه بعضی تصاویر گرافیک که خود نشانه ای از حقایق تاریخی و ماهیت استعماری قوای مهاجم را در آنوقت به نمایش میگذارد، جلب میدارم:

1 - انگیزه های استعماری انگلیس در افغانستان:

در تهاجم اول انگلیس به افغانستان، آمدن ویتکویچ سفیر روس به کابل بهانه ای بود که انگلیسها پلان توسعه جویانه خود را با پیش انداختن شاه شجاع به نام وارث حقیقی سلطنت افغانستان به منصفه اجراء گذاشتند و از سه جانب به افغانستان حمله کردند.

نقشه لارد آکلند چنان بود تا از راه سند و بلوچستان به قندهار و از آنجا به هرات جهت رفع محاصره آن لشکر بکشد او به این نظر بود که در افغانستان: «وجود زمامدارانی لازم است که از هر حیث به دولت برتانیه تسلیم محض بوده و هیچ یک نقطه نظر ملی از خود نداشته باشند و آله دست نمایندگان انگلیس به شمار رفته، صرف به نام حکومت کنند...»، به همین فکر آنها شاه شجاع را که در تصرف خود داشتند، به معیت قشون بزرگ به افغانستان برگردانیده و بر صریر سلطنت نشانند. دولت برتانیه

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

تصمیم اتخاذ کرده بود برای مقابله با پیشرفت آینده و احتمالی روس در جنوب آسیا، مواقع خود را از رود سند... تا هندو کش پیش برد و بلکه تا رود آمو نفوذ خویش را توسعه دهند و لشکر کشی بر افغانستان روی همین نظریه شروع شد. با این هدف گورنر جنرال انگلیس در هندوستان لارد آکلند بتاريخ اول اکتوبر 1838م (1254 ق - 1217ش) قشون بزرگ و مجهز خود را که بالغ بر 54 هزار عسکر، 12 هزار عمه و 30 هزار حیوان باربر بود. به همراهی شاه شجاع و پسرش از راه قندهار، غزنی به کابل گسیل کرد. « که افغانستان عملاً تحت اشغال انگلیس درآمد و از آزادی خود در آنوقت محروم گردید.

با آنکه در سال 1873 روسها افغانستان را خارج ساحه نفوذ خود اعلام کردند و نفوذ انگلیس را بر افغانستان رسماً پذیرفتند، و سرحد شمالی افغانستان را از سرقول تا قریه خواجه صالح قبول و مناطق ساحل چپ دریای آمو را از بدخشان تا میمنه جزء اصلی خاک افغانستان اعتراف کردند، اما انگلیسها به بهانه نفوذ احتمالی روسیه به افغانستان بار دوم لشکر کشیدند و میخواستند تا قشون انگلیسی را در کوه های هندوکش مستقر سازند، در بلخ، قندهار و هرات نفوذ شان را استحکام بخشند، کابل و غزنی را مثل کویته به شکل پایگاه نظامی خود درآورند، شنوار و مهمند را از ننگرهار جدا کنند، خیبر و کرم و بولان را تصرف نمایند. به عبارت دیگر لیتن به مفکوره افغانستان بیطرف اعتقاد نداشت و خواهان تجزیه کشور بود. به این اساس دولت انگلیس برای استیلای افغانستان قاطعانه تصمیم گرفته بود و به امیرشیرعلی خان اطلاع داد تا هیئت روس را از کابل بیرون کند و به افسران انگلیسی اجازه ورود به افغانستان دهد و سیاست خارجی خود را تحت رهبری آنها پیش ببرد و جانب انگلیس برای قبول یا رد این پیشنهاد 20 روز وقت تعیین کرد، اما جواب رد امیر هنوز بطرف انگلیس نرسیده بود که قوای نظامی آنها از سه سمت - قندهار، ننگرها و پکتیا وارد خاکهای افغانستان گردیدند. امیر با دیدن این وضع جهت مذکره با روسها به مزارشرف رفت و پسر رنجور خود شهزاده محمد یعقوب خان به نیابت خود در کابل گماشت. چند روز از اقامت امیر در مزارشرف نگذشته بود، که در اثر مرضی وفات کرد و پسرش محمد یعقوب خان به سلطنت رسید.

این بار دوم بود که انگلیس ها بر مبنای سیاست توسعه جویانه خود به افغانستان لشکر کشی کردند و امیرمحمد یعقوب خان را در گرو حمایت خود گرفتند و بالایش یکی از ننگین ترین معاهدات را امضاء کردند که بدانوسیله یک قسمت سرزمین افغانستان به انگلیس ها واگذار گردید و استقلال نسبی افغانستان نیز عملاً زیر سلطه انگلیس ها قرار گرفت.

اعتراف صدراعظم انگلیس "دیزرائیلی" در 13 فبروری 1879م در موقع افتتاح پارلمان که از روی هدف اصلی تهاجمات انگلیس به افغانستان پرده برداشت، نشانه ای آشکار سیاست استعماری آن کشور را در افغانستان بیان میکند. او در بیانیه خود تصریح کرد که: «حکومت علیاحضرت مسرور است که موضوع مداخله در افغانستان تکمیل شده و اکنون مالک سه شاهراه که افغانستان را به هند ربط میدهد، میباشیم و امیدواریم که مملکت ما برای همیشه مالک این راه ها باقی بماند. ما مقصدی را که این لشکر کشی برای آن به عمل آمد، تأمین کرده ایم و چنان سرحدی را بدست آورده ایم که امیدواریم امپراطوری هند ما را غیرقابل تجاوز خواهد ساخت.»

2 - عقد معاهدات و قراردادهای استعماری بوسیله فشارهای مستقیم و غیرمستقیم:

اگر از عقد همچو قراردادهای گذشته در زمان شاه شجاع و امیردوست محمد خان با انگلیسها بگذریم، یکی از بارزترین مثال این نوع قرارداد ها همانا معاهده معروف به "گندمک" است که زیر فشار

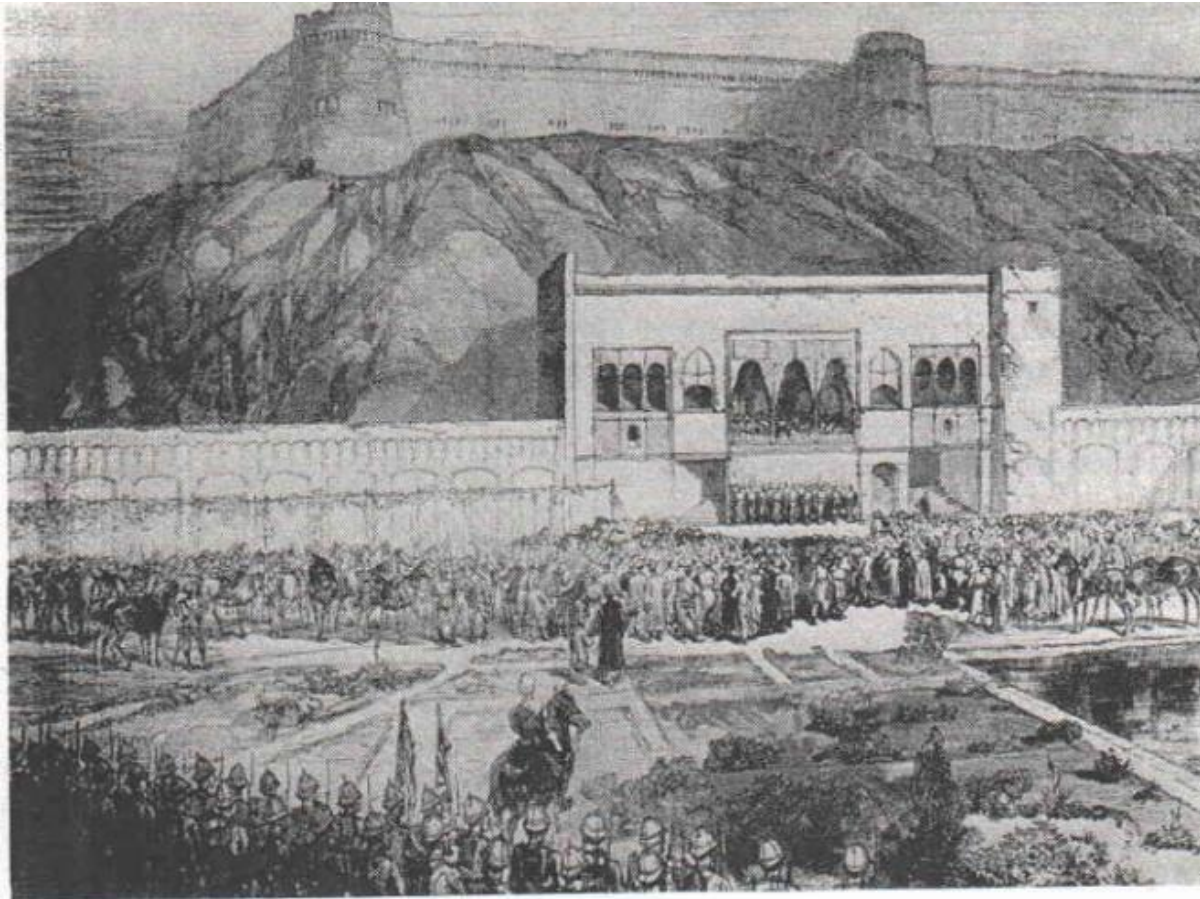
انگلیسها با امیر محمد یعقوب خان بتاريخ 4 جمادی الثانی 1296ق (26 می 1879م) در 11 ماده به امضاء رسید. از محتوای مواد آن میتوان به وضاحت ماهیت استعماری و تحمیلی آنرا استنباط کرد که در اثر آن بر حق حاکمیت ملی و استقلال افغانستان بدون شک محدودیت آشکار و علنی وارد گردید، چنانچه از ماده یازدهم آن به این عبارت آشکار میگردد: «ماده یازدهم - حکومت افغانستان در امور خارجی خود بدون مشوره انگلیس با دول دیگر داخل مرادوات نخواهد شد و بدون تصویب انگلیس با دول خارجی جنگ نخواهد کرد.»

یکماه از این معاهده تحمیلی نگذشته بود که برطبق قرارداد گندمک (ماده هفتم) "سر لوئیس کیوناری" به حیث سفیر انگلیس به دربار کابل آمد و در یکی از قصرهای داخل بالاحصار سکونت گزید، اما مردم از نقاط مختلف دور و نزدیک کابل که تاب این وضع را نداشتند بسرعت در برابر قوای انگلیسی قیام کردند که جریان این رویداد بزرگ تاریخی، شهر کابل را بیاد روزگار چهل سال قبل انداخت. در ماه نوامبر 1878 به تعقیب رویدادهای ضد انگلیسی در کابل، حادثه خونینی دیگر در اثر حمله قوای ملی به اقامتگاه نماینده انگلیس در داخل محوطه بالاحصار به وقوع پیوست و در نتیجه سفیر کیوناری با چند افسر و تعدادی از عساکر آنها کشته شدند. چنانچه در قسمت قبلی تذکار گردید، قوای رابرتس از گرم به کابل رسید و قوای ستیوارت دوباره به قندهار برگشت نمود و قوای جنرال برایت از خیبر به جلال آباد آمد. با این ترتیب کابل و دیگر ساحات افغانستان بار دیگر زیر تهاجم قوای استعماری انگلیس قرار گرفت و امیر محمد یعقوب خان مجبور به استعفی شد و انگلیسها او را با فاملش به هند برتانوی فرستادند که در نتیجه اداره امور افغانستان کاملاً بدست انگلیسها افتاد.

3 - اداره امور کشور در دست قوای مهاجم:

میر غلام محمد غبار راجع ماهیت استعماری اجراءات قوای انگلیسی در اداره امور افغانستان بعد از تهاجم اول می نویسد: «بعد از آنکه قوای انگلیس سلطه خود را در نقاط مختلف افغانستان پهن کرد، وضع و رفتار آنها تغییر کرد؛ دیگر انگلیس های دوست نی، بلکه آنها زمامدار اصلی و حاکم نظامی افغانستان شدند..... مکناتن نماینده و سفیر انگلیس از این به بعد عملاً به شکل صدر اعظم و هم نایب السلطنه افغانستان درآمد. تمام امور دولت، عزل و نصب وزراء و افسران افغانی، بودیجه و مالیات، مجازات و مکافات و غیره همه در اختیار او بود». غبار می افزاید: «شاه شجاع بتدریج به موقفی کشانیده شد که از حرم ویا اطاق نشیمن خود بیرون نمیشد عمارت شاه و اطاق دربار او توسط افسر و عسکر انگلیس محافظه میگردد. هیچ افغان بدون اجازه صاحب منصب انگلیس حق دیدن شاه را نداشت.... شاه شجاع باری به مکناتن یادآوری کرد که افغانستان مأمون است و من پادشاهم، لذا ضرورت برای قشون انگلیس در کشور دیده نمیشود. مکناتن جواب داد که تا خطر امیر دوست محمد خان باقیست، موجودیت قشون انگلیس در افغانستان حتمی است..... انگلیسها نه تنها شاه را بالقوه در دست داشتند. بلکه از لحاظ سیاست او را نیز محتاج به خود و در عین حال زیر تهدید نگه میداشتند.... پس از گذشت یک سال از قوای انگلیس در کابل انگلیسها فکر کردند که دیگر به لشکر زیاد ضرورت نیست، لذا یک قسمت قوای خود را دوباره به هند اعزام داشتند و به فکر باقی ماندن برای مدت طولانی، افسران انگلیس عائله خود را نیز به کابل خواستند و آنها طوری در شهر و بازار ظاهر می شدند که گوئی کابل نیز مثل دهلی است.»

اجراآت انگلیسها به حیث یک قوه ای مهاجم در دور دوم در سال 1879 تکرار جدی تر رویدادهایی بود که انگلیسها با گسترش سلطه خود در افغانستان به آن مباردت ورزیدند و از آنطریق نشانه های بارز یک قوه استعماری را به نمایش گذاشتند که استقلال افغانستان بصورت قطع در حاشیه برده شد. در قسمت قبلی گزارشهای مختصر در باره طرز اجراآت قوای مهاجم در کابل به استناد مأخذ معتبر ارائه شد. اینک تصاویر گرافیک از آن رویدادها را که آنوقت بوسیله انگلیس ها تهیه گردیده به حیث اسناد مهم تاریخی به حیث عملکرد قوه های استعماری تقدیم میدارم:



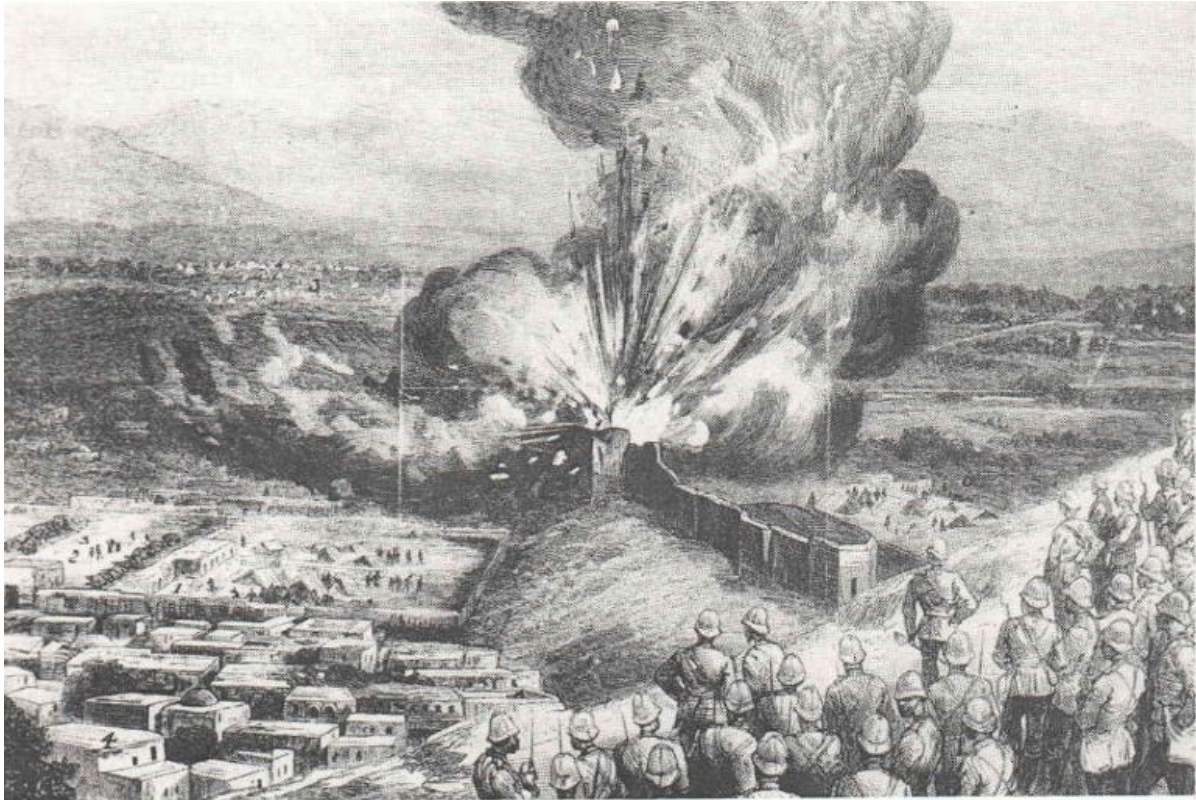
Audience hall in the amir's palace, Kabul, where "Bobs read out a proclamation it was badly worded and not dignified . . . and a cat

گرافیک فوق نمایی از تجمع جبری تعدادی از مردم کابل را نشان میدهد که بعد از استعفای امیر محمد یعقوب خان و ورود جنرال رابرتس به کابل طی مراسم استقبالیه که از طرف سپاه اشغالگر بروز 12 اکتوبر 1879 تدویر یافته بود، به بالا حصار احضار شدند و پس از برافراشتن بیرق انگلیس بر فراز بالا حصار، رابرتس بیانیه تحقیر آمیز و شدید اللحن خود خطاب به مردم کابل را ایراد کرد که شرح مختصر آن در قسمت قبلی بعرض رسید.

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

به همین ترتیب روز 13 اکتوبر سپاهیان فرنگی از بازار های شهر عبور کرده و قدرت نظامی خود را برخ اهالی شهر کشیدند. روز 16 اکتوبر جبه خانه بالاحصار آتش گرفت. درین کار احرار ملی بنوبه خود مخالفت و نفوذ خود را به انگلیس های اشغالگر نشان دادند.



Explosion of the magazine in the Bala Hissar at Kabul on October 16, 1879. (The Graphic, December 6, 1879, p. 556.)

انفجار بزرگ در جبه خانه بالاحصار انگلیس ها را طوری دست و پاچه ساخت که فوری مرکز نظامی خود را از تپه مرنجان به داخل قلعه نظامی شیرپور انتقال دادند. نمایی از انفجار جبهه خان که بتاريخ 6 دسمبر 1879 صورت گرفت.

انگلیس ها به انتقام خون کیوناری نه تنها ده ها و صدها نفر احرار ملی را از بین بردند، بلکه عمارت بالاحصار را تاحد امکان ذریعه نقب و گلوله باری های توپ ویران کردند و هنگامه های دهشت و وحشت چنگیزی را تجدید نمودند. در اثر این خرابکاری ها بالاحصار به ویرانه بزرگی تبدیل شد و اهالی آن نیست و نابود و فرار شدند.

د پانو شمیره: له 5 تر 7

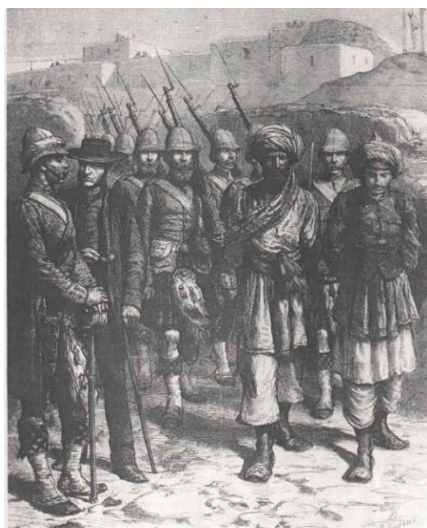
افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ

(نمایی از یک قسمت
ویرانی های بالاحصار
پرشکوه کابل)

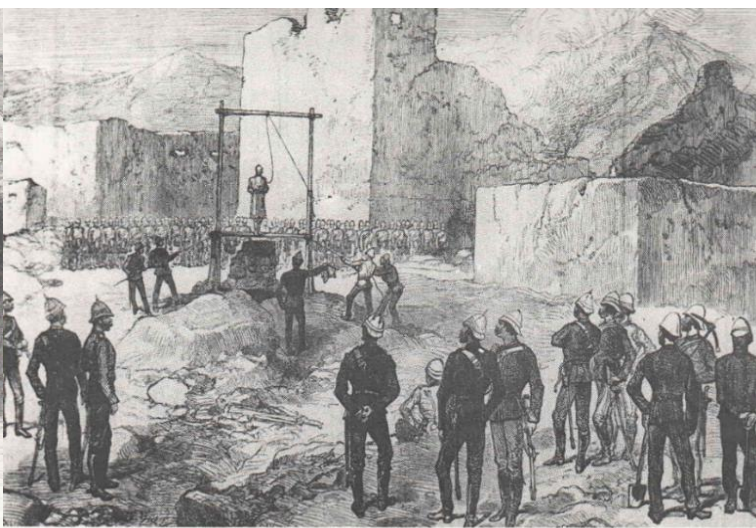


در قصر با شکوه و
تاریخی بالاحصار
عساکر انگلیسی جا
گرفتند و آنرا مؤقتاً
به مقر اداری خود
تبدیل کردند و از
همین جا امر اعدام
سران ملی و
مجاهدین را صادر

کردند و آنها را جوقه جوقه به پای دار بستند. در این وقت نه از حکومت افغان و نه از استقلال کشور
خبری بود و همه بدست استعمار گران انگلیسی افتاده بود.



Afghans escorted to the gallows in the ruins of the Residency by troops from the Highland regiments and the Rev. J. Adams. (The Graphic, February 14, 1880, p. 149.)



Execution of an Afghan on the gallows. (Illustrated London News, January 3, 1880, p. 5.)

(انگلیس ها و صحنه های از اعدام مجاهدین و مخالفان سلطه انگلیس در کشور)

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

بالاحصار قلعه بزرگ تاریخی شهر کابل در نیمه دوم ماه اکتوبر 1879 میلادی در سایه پرچم بیداد فرنگیان متجاوز به سلاح خانه تبدیل شده بود که در آن هر روز دسته دسته از بیگناهان ملی محض به جرم دفاع از خاک وطن و حق و حقانیت به دار سیاست زده می شدند و چارچوبه دار متجاوزان فرنگ مانند علامه فارقه ظلم و استبداد آدم کشی درپای کنگره های دیوار های حصار تاریخی به هوا بلند بود.

(نمایی از قصر زیبای بالاحصار کابل قبل از تخریب بوسیله انگلیسها)



تذکر: گرافیک های فوق از کتاب "جنگ در افغانستان ، 1879 - 1880"، خاطرات جنرال مک گریگور که در تهاجم دوم انگلیس در افغانستان به حیث صاحبمنصب اشتراک داشت، گرفته شده است.

War in Afghanistan, 1879 -80

The Personal Dairy of Major General Sir C. M. MacGregor

Edited by W. Trousdale, Detroit 1985

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ